



در سیر انقلاب

گاهنامه سیاسی، اجتماعی و
فرهنگی حرف حساب / نسخه
سیزدهم / اردیبهشت نود و نه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

طه نظری پور

سر دبیر و طراح:

مجتبی شاهی زاده

ویراستار فنی: طه نظری پور

ویراستار محتوایی:

احمد رضا حجتی پور

به همراه یادداشت هایی از:

طه نظری پور، مجتبی شاهی زاده، فاطمه صحرانشین، زهرا فاروقی،
مصطفی محمدی کوثر، فاطمه محمدی، سبحان محمودی، فائزه معتمدی و
امیر حسین بلالی

به همراه مصاحبه با رضا رحیمی

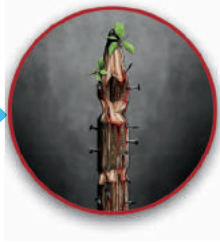




فهرست

بسم الله القاصم الجبارين

احياء ضربان نشریات
طه نظری پور



۱

منشور تجدید عهد هنر
طه نظری پور



۲

۵



در مسیر وارثان
مجتبی شاهی زاده



جمهوری اسلامی؛
آری یا خیر
زهرا فاروقی

۸

مصاحبه
رضا رحیمی



۱۱

نگاه پولی در
آموزش و پرورش
مصطفی محمدی کوثر



۱۳



مانیفست ولایت
فاطمه صحرانشین

۱۵

حاصل عمر
امیر حسین بلالی



۱۷



مجلس جدید؛
زخم کهنه
حسین خسروی فر

۱۶

۱۸



جوان مومن انقلابی
فائزه معتمدی

بهشت خاکی
فاطمه محمدی



۱۹

۲۰



راه پیروزی
سبحان محمودی

احیاء ضربان نشریات

طه نظری پور

دانشجوی پزشکی

عضو شورا مرکزی خانه نشریات کشوری

نشریات مکتوب به بهانه های مختلف، در کنار برخورد های سلیقه ای و بعضا جانبدارانه و نواقص آئین نامه ای، عرصه را بر فعالین این حوزه تنگ کرده است. مسئله ی مهم دیگر، جای خالی نشریات دانشجویی تخصصی در حوزه سلامت است تا بصورت دقیق و علمی به معضلات خرد و کلان نظام بهداشت و درمان بپردازند.

ضربان نشریات دانشجویی باید احیا گردد تا با آرمان گرایی در عین واقع بینی، نفسی تازه در کالبد نیمه جان دانشگاه بدمد برای احیای امید، آزاد اندیشی و آگاهی بخشی و پرچم کنش گری موثر دانشجوی را در فضای سرد علوم پزشکی برافراشته نگه دارد. این قلم ها، هرگز برده ی صاحبان قدرت و ثروت نخواهند بود. به امید روزی که به جای شکستن قلم ها، شاهد رویش نویسندگان قوی و گفتمان سازی حول آرمان های اصیل انقلاب اسلامی باشیم.

چند صباحی است که به دلایل مختلف، نقش آفرینی دانشجو در کنش های اجتماعی رنگ باخته است و جنبش دانشجویی دیگر آن اثرگذاری مطلوب و جریان ساز را ندارد. از طرفی در درون دانشگاه با فضایی مملو از ناامیدی و پوچ انگاری مواجه هستیم و جامعه دانشجویی از یک بی اطلاعی عمیق اجتماعی و سیاسی رنج می برد. در چنین شرایطی، در میان انبوه مشکلات اجتماعی و اقتصادی چاره ای جز گفتگو وجود ندارد. یکی از ابزار های مهم تحقق این جنبش گفتگومحور، نشریات هستند. نشریات بعنوان یکی از ارکان اصلی جمهوریت، وسیله ی تحقق زبان مفاهمه ای هستند. امروزه قالب های جدید مانند نشریات صوتی و تصویری و الکترونیک هم علاوه بر نشریات مکتوب، به افزایش ضریب نفوذ این ابزار نخبگانی کمک می کنند. در این میان پتک بی مهری مسئولین امر بر سر دانشجویان اهل قلم فرود می آید و نبود بودجه کافی و عدم چاپ بسیاری از





در مسیر وارثان

مجتبی شاهی زاده
دانشجوی پزشکی

منقلبین حقیقی در راه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، قشری از مردم هستند که در کلام امام روح ا...، صاحبان واقعی این انقلاب هستند؛ قشری که در گفتمان اسلامی، مستضعفین تلقی شده اند. کلیدواژه مستضعفین در طی سالیان به معنی ضعیف و ناتوان به ما القا شده؛ معنی ای که با حقیقت این کلیدواژه فرسخ ها فاصله دارد. با ژرف اندیشی در معنای حقیقی این واژه، به حقیقت این واژه که مفهومی قرآنی است، پی میبریم. در آیه ۱۳۷ سوره اعراف قرآن کریم، مستضعفین اینگونه بیان شده اند: «وَأَوْثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا... بما صَبَرُوا» به این معنی: «و طایفه‌ای را که فرعونیان ذلیل و ناتوان می‌پنداشتند، وارث مشرق و مغرب زمین گردانیدیم... به پاداش صبری که (در مصائب) کردند». با تفکر در این آیه شریفه قرآن کریم به این مفهوم پی میبریم که مستضعفین افرادی هستند که با وجود توانایی هایی که دارند، از سوی طاغوت نادیده گرفته شده و مورد ظلم قرار می‌گیرند و از این رو در احقاق حقوق خود مورد اجحاف قرار گرفته و در انجام اعمال به حق خود ناتوان هستند؛ این افراد در برابر طاغوت مقاومت کرده و خداوند به پاس صبرشان، وراثت زمین را به ایشان وعده داده است.

دسته مستضعف وجود دارد: دسته اول مستضعفان مالی می‌باشند، دسته دوم مستضعفان سیاسی و اجتماعی و دسته سوم کسانی هستند که به دلیل عدم دسترسی به منابع علمی یا ناتوانی در درک حجت، مستضعف می‌باشند. در این یادداشت بر آن آمدم تا دو دسته از مستضعفین و تقابل مستضعف و مستکبر را تشریح کنیم و در ادامه به جایگاه مستضعفین در انقلاب اسلامی و در حال کشورمان بپردازیم.

مستضعفین افرادی هستند که با وجود توانایی هایی که دارند، از سوی طاغوت نادیده گرفته شده و مورد ظلم قرار می‌گیرند و از این رو در احقاق حقوق خود مورد اجحاف قرار گرفته و در انجام اعمال به حق خود ناتوان هستند؛ این افراد در برابر طاغوت مقاومت کرده و خداوند به پاس صبرشان، وراثت زمین را به ایشان وعده داده است.

دسته اول مستضعفان مالی می‌باشند؛ این افراد کسانی هستند که به دلیل کم بضاعتی یا بی بضاعت بودن ضعیف میشوند. مانند شخصی که به این دلیل نمی‌تواند فریضه حج را به جا آورد، یا خانواده ای که به دلیل ناتوانی مالی، در فرزند دار شدن مشکل دارند. همچنین قرآن کریم در بخشی از

آیه ۱۲۷ سوره نساء فرموده: «یتامی النساء... والمستضعفین من الولدان» که به استضعاف مالی اشاره دارد؛ این بخش از آیه مذکور در «تفسیر المیزان» اینگونه تفسیر شده: «از اشخاصی که پدرشان فوت کرده است، تنها کودکان را ارث نمی‌دادند و آنها را استضعاف می‌کردند و از ارث محروم می‌ساختند؛ به این بهانه که اینها سوار بر مرکب های جنگی نمی‌شوند و از حریم خانواده دفاع نمی‌کنند.» طبق این تفسیر مستکبران، کودکان را ارث نمی‌بخشیدند چرا که ناتوان به نظر می‌آیند؛ از این رو آنان را در بحث مالی، مستضعف و ناتوان می‌کردند.

افراد در صورتیکه در ایجاد کسب و کار و کسب درآمد ناتوان باشند، مستضعفین مالی می‌باشند؛ مسئولین و مردم یک کشور در قبال قشر مستضعف خود، مسئول می‌باشند. مسئولین در صورتیکه با اعمال سیاست هایی موجب مستغنی و ثروتمند شدن یک قشر و در مقابل موجب مستضعف شدن قشری دیگر از مردم شوند، از آرمان های انقلاب اسلامی، دورتر و منحرف تر می‌شوند. در انقلاب اسلامی، منقلبین اصلی و حقیقی مستضعفین بودند؛ و مشکلات اقتصادی مردم در دوران طاغوت از دلایل اصلی انقلاب بود.

امام روح ا... (ره) درباره برنامه های اصلی اسلام (و در این راستا برنامه اصلی انقلاب اسلامی) فرموده اند: «قتال در

و مسلمانان از مکه شد و در آیات مختلف به آن اشاره شده است و ... اشاره کنیم. در این آیات الهی، مستضعفین و مستکبرین دو دسته مقابل یکدیگر هستند؛ مستضعفین در واقع مومنانی هستند که از سوی مستکبرین (صاحبان ثروت و قدرت مادی) ضعیف شمرده می شوند و مورد ظلم و اجحاف قرار می گیرند. در اسلام ظلم پذیری افراد توانا مانند ظلم کردن ظالم، مذموم است؛ از این رو اسلام از افراد توانا می خواهد که در برابر ظلم ظالم، جبر جبار، تکبر متکبر، استکبار مستکبر، استعمار مستعمر و... بایستند و در برابر آن مقاومت کنند تا به حقوق خود دست یابند. "با کنار هم قرار گرفتن دو عنصر استضعاف و مقاومت، به عنصر سومی دست میابیم، عنصر پیروزی برابر مستکبرین؛ این مثلث شکل گرفته از سه عنصر استضعاف، مقاومت و پیروزی از سنت های مسلم الهی می باشد."

افرادی که با وجود توانایی های بالقوه شان، به دلیل قوانین و عرف های سیاسی و اجتماعی در مقیاس های محدود (از سوی یک کشور) تا گسترده (یک منطقه یا دنیا)، در تنگنا قرار می گیرند و به ضعف کشیده می شوند و در بالفعل کردن توانایی و استعداد خود ناتوان می شوند، مستضعفین سیاسی و اجتماعی می باشند. در مفاهیم قرآنی این دسته از مستضعفین در برابر مستکبرین مقاومت و ایستادگی می کنند و خداوند به پاس ایستادگی شان، به آنها وعده وراثت زمین را داده است.

در "تفسیر نمونه" درباره اراده و مشیت خداوند برای پیروزی مستضعفین در آیه ۵ و ۶ سوره مبارکه قصص، پنج امر بیان شده:

یک- «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...»: ما می خواهیم آنان را مشمول نعمت خود کنیم.

دو- «... نَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً...»: ما می خواهیم آنان را پیشوایان قرار دهیم.

سه- «... نَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ...»: ما می خواهیم آنان را وارثان حکومت جباران قرار دهیم.

از مدیریت داخلی، موجب استضعاف بخشی از مردم شده است و مجموع شرایط، موجب ضعیف پنداشته شدن کشورمان در برخی از ابعاد در مجامع بین المللی شود. در صدر اسلام نیز مشرکان با شرایط و قوانین بسیار سخت، مسلمانان را در مکه مستضعف کرده بودند و مسلمانان برای خروج از این شرایط سخت، هجرت به مدینه را لزوم می دانستند؛ مسلمانان با هجرت خویش شرایط را برای اجرای احکام اسلام محیا کردند.

مسئولین در صورتیکه با اعمال سیاست هایی موجب مستغنی و ثروتمند شدن یک قشر و در مقابل موجب مستضعف شدن قشری دیگر از مردم شوند، از آرمان های انقلاب اسلامی، دورتر و منحرف تر می شوند. در انقلاب اسلامی، منقلبین اصلی و حقیقی مستضعفین بودند؛ و مشکلات اقتصادی مردم در دوران طاغوت از دلایل اصلی انقلاب بود. امام روح ا... (ره) درباره برنامه های اصلی اسلام (و در این راستا برنامه اصلی انقلاب اسلامی) فرموده اند: «قتال در راه خدا و در راه مستضعفین در راس برنامه های اسلام است.»

افرادی که با وجود توانایی های بالقوه شان، به دلیل قوانین و عرف های سیاسی و اجتماعی در مقیاس های محدود (از سوی یک کشور) تا گسترده (یک منطقه یا دنیا)، در تنگنا قرار می گیرند و به ضعف کشیده می شوند و در بالفعل کردن توانایی و استعداد خود ناتوان می شوند، مستضعفین سیاسی و اجتماعی می باشند. در مفاهیم قرآنی این دسته از مستضعفین در برابر مستکبرین مقاومت و ایستادگی می کنند و خداوند به پاس ایستادگی شان، به آنها وعده وراثت زمین را داده است. من جمله این آیات می توانیم به وقایع رخ داده بین فرعون و بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی در سوره قصص، به رسالت حضرت صالح و تقابل قوم ثمود با ایشان در آیه ۷۵ و ۷۶ سوره اعراف، عوامل مختلف سیاسی و اجتماعی که در صدر اسلام منجر به هجرت پیامبر

راه خدا و در راه مستضعفین در راس برنامه های اسلام است.» مسئولین جمهوری اسلامی در قوای سه گانه در برابر خداوند، شهدا، مستضعفین و امام روح ا... باید پاسخگو باشند؛ به نظر می آید ریل گذاری اقتصاد در ایران به گونه ای است که شرایط بهبود نمی یابد و فقط در بعضی مقاطع شرایط ثابت می شود؛ در سی سال گذشته اقتصاد کشورمان همیشه با تورم و رکود دست و پنجه نرم می کند؛ بهتر است مسئولین در تغییر سیاست های اقتصادی به طور جدی اهتمام ورزند تا به آرمان های انقلاب اسلامی که خدمت به مستضعفین است نزدیک تر شوند. می توان با در نظر گرفتن تسهیلات مالی برای مستضعفین در زمینه های مختلف، برای بهبود شرایطشان کمک کرد. همچنین مردم نیز باید نسبت به مردم مستضعف کشور خود، احساس مسئولیت کنند؛ با کمک های مالی مانند توجه به کودکان کار در تحصیل، مناسب بودن اجاره خانه برای خانواده هایی که مشکل مالی دارند، برگزاری گلریزان و کمپین های کمک مالی مانند تهیه جهیزیه برای خانواده های بی بضاعت و کم بضاعت و... می توان به ترمیم زخم هایی که پیکر خانواده های مستضعف است، کمک کرد.



دسته دوم مستضعفان سیاسی و اجتماعی هستند؛ این دسته، از افرادی هستند که به دلیل قوانین سیاسی یک کشور یا به دلیل رفتارها و عرف های جامعه ضعیف می شوند. برای مثال امروزه تحریم ها و تبلیغات سوء از سوی مستکبرین علیه ایران موجب استضعاف کشورمان در دنیا شده است و این تحریم ها در کنار ضعف در بخشی

چهار- «وَتُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...» ما حکومت قوی و پا بر جا به آنها می دهیم.

پنج- «... وَتُرَى فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ» آنچه دشمنانشان از آن بیم داشتند و تمام نبرهای خود را علیه آن بسیج کرده بودند، به آنها نشان دهیم.

طبق پنج امر مذکور پیروزی مستضعفین بر مستکبرین، قطعی است.

حال به جایگاه مستضعفین در پیروزی انقلاب اسلامی و در حال کشورمان می پردازیم.

در پیروزی انقلاب اسلامی، چندین دسته به عنوان منقلبین نقش داشتند.

روحانیون، روشنفکران، دانشجویان، نویسندگان و... که از لحاظ سیاسی و اجتماعی مستضعف شده بودند،

طبقه متوسطه های جامعه بازاری ها و حاشیه نشینان و فقرا که از لحاظ اقتصادی مستضعف شده بودند. به

طور کلی، با تامل در کتب تاریخی به این نتیجه میرسیم که بیشتر سیاست های رژیم پهلوی در قبال روحانیون،

روشنفکران، دانشجویان و نویسندگانی که با رژیم وقت زاویه داشتند، سرکوب و شکنجه بود و آنها را به استضعاف

سیاسی و اجتماعی دچار می کردند و کمتر به تعامل با این افراد پرداخته بودند؛ این سیاست که موجب اعتراض

این چند دسته شده بود، باعث شدت گرفتن اعتراضاتشان در چندسال

منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی شد. همچنین سیاست های اقتصادی آن

رژیم که موجب افزایش تورم و افزایش هزینه های زندگی شده بود نیز موجب

استضعاف اقتصادی مردم شد؛ سیاست های رژیم برای مقابله با افزایش تورم و

هزینه های زندگی نیز نتایج عکس داد و اعتراضاتی را به همراه داشت؛ در واقع

می توان گفت مستضعفین اقتصادی مانند حاشیه نشینان و طبقه متوسط

ها نقش بیشتری در شکل گیری انقلاب اسلامی داشتند. در مجموع،

معترضان علیه رژیم پهلوی را می توان مستضعفین سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معرفی کرد که در ابتدا

خواهان اجرای کامل قانون اساسی در ابعاد مختلف مخصوصا در دادگاه ها

بودند، اما با نزدیک شدن به سال پنجاه و هفت و اوج گیری مجدد سرکوب کردن و کشته شدن معترضان از سوی رژیم، اعتراضات به سوی رادیکالتر شدن و انقلابی تر شدن پیش رفت.

در پیروزی انقلاب اسلامی، چندین دسته به عنوان منقلبین نقش داشتند. روحانیون، روشنفکران، دانشجویان، نویسندگان و... که از لحاظ سیاسی و اجتماعی مستضعف شده بودند، طبقه متوسطه های جامعه بازاری ها و حاشیه نشینان و فقرا که از لحاظ اقتصادی مستضعف شده بودند.

با این شرح خلاصه، به طور نسبی متوجه نقش مستضعفین در پیروزی انقلاب اسلامی می شویم؛ امام خمینی

(ره) در گذشته و مقام معظم رهبری در حال، با توجه به اینکه مستضعفین

را صاحبان واقعی این انقلاب می دانند، مرتبا حمایت از مستضعفین،

علی الخصوص مستضعفین مالی را به مسئولین گوشزد می کنند. مردم، به

خصوص قشر مستضعف نشان داده اند که در زمان های مختلف و در شرایط

گوناگون از انقلاب اسلامی حمایت می کنند و پا به پای آن خوشی و

تلخی روزگار را می چشند. مسئولین جمهوری اسلامی در قوای سه گانه

حال پس از گذر از چله انقلاب اسلامی و در گام دوم انقلاب اسلامی، موظف

هستند که با حمایت متقابل از مردم و قشر مستضعف، شرایط زندگی و

کار را برایشان تسهیل کنند؛ چراکه موجب ترمیم و تحکیم پایه های

انقلاب اسلامی بین مردم می شوند؛ و همچنین در این راستا به آرمان های

والای انقلاب اسلامی نیل می کنند و جمهوری اسلامی را به ظهور و حکومت

حضرت مهدی (عج) متصل می کنند.



اسلام مرفهین بی درد، و در یک کلمه اسلام آمریکایی باشد.»
تکلیف هنرمندان نیز بالصراحه در انتهای پیام معین شده است: «هنرمندان ما تنها زمانی میتوانند کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر تنها و تنها در چارچوب مکتبشان به حیات جاویدان رسیده اند.»

هنرمندان ما تنها زمانی میتوانند کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر تنها و تنها در چارچوب مکتبشان به حیات جاویدان رسیده اند.



هنر در منظر ایشان عین دردمندی است و همین دردمندی است که روح زیبایی و صفا را در هنر می دمد. آیا هنر نیز مستقل از دین، بابتی است که انسان را به بهشت می رساند؟ تعالی انسان به سوی حق یک راه وصول و عروج بیش تر ندارد و آن هم دین است که معنای حقیقی خویش را در ولایت می جوید. روح بشر برای وصول به مراتب متعالی کرامت انسانی باید که در «عمل»، از پستی ها و کثافات و تعلقات تنزه پیدا کند. هنرمندان از آن لحاظ که انسانند باید در کشاکش این مبارزه به کمال هنری خویش دست یابند. جنگ ممکن است که باشد یا نباشد، اما مبارزه تمامی ندارد. تحقق اسلام در جهان و برقراری عدالت در گرو مبارزه حق و باطل است. آن که می گوید «من به هیچ چیز تعهد ندارم»، آیا او لاجرم نسبت بدین سخن خویش نیز متعهد نیست؟ آن می گوید: «هنر از تعهد مبرا است»، آیا با این سخن لاقول هنر را نسبت بدین «تبرا» متعهد نمی داند؟ هنر از حیث محتوا نوعی معرفت است و از این قرار، عین حکمت و عرفان. پس چگونه می توان مظاهر مختلف حیات انسان را، علم و حکمت هنر و فلسفه و دین را، آنچنان که امروز معمول است از یکدیگر جدا کرد؟ هنرمندان هرگز در جست وجوی

طه نظری پور
دانشجوی پزشکی

منشور تجدید عهد هنر

سیاست در نمی آید! کلام امام منشور این تجدید عهد است، مسطوره ای که تقدیر آینده این عصر در آن منظوی است. هنر و هنرمندان را نیز شایسته آن است که قدر نعمت باز شناسند و طریق توبه خویش را از این مسطوره مبارک بیابند. در منظر پیام حضرت امام به مناسبت تجلیل از هنرمندان متعهد، آنچه که بیش از همه در چشم می نشیند، میثاقی است مبارک که حضرت ایشان میان «هنر» و «مبارزه» بر قرار ساخته اند، تا آنجا که فرموده اند: «تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران را بیاموزد». هنر در منظر امام ذاتا و ماهیتا امانتدار مبارزه با دشمنان دین است و دیگر چه جای تردید، آنجا که ایشان فرموده اند: «هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابود کننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی،

متن زیر خلاصه ای از مقاله ی منشور تجدید عهد هنر به قلم متفکر شهید سید مرتضی آوینی است که به مناسبت بیستم فروردین، روز هنر انقلاب اسلامی، منتشر شده است. همه اولیای خدا در عصر خویش و در میان معاصران خویش غریب بوده اند و وای بر ما اگر این ولی خدا نیز در میان ما غریب باشد. و مگر نیست؟ امام را با هنرمندان سخنی بود که شنبه نهم مهر ماه شصت و هفت در روزنامه ها به چاپ رسید و مگر نه اینکه ما آن پیام را به فراموش خانه های سهل انگاری و غفلت خویش انداختیم و دیگر از آن جز اشاراتی پراکنده، این سوی و آن سوی، در میان نیامد؟ اصل سخن ایشان در آن پیام، میثاقی بود که میان «هنر» و «مبارزه» بسته بودند و چه بسا در میان غیر مومنین کسانی اندیشیدند که «این سخن از سر نا آشنایی با ماهیت هنر بر آمده است. اگر نه، هنر که آزاد است و در خدمت

حکمت نیستند. آنها تنها سعی دارند که در تکنیک کار خویش مهارت بیش تری پیدا کنند. ولكن آنچه در تکنیک و قالب کار هنری آنها به مثابه محتوا اظهار می شود چیست اگر حکمت نیست؟ می گویند: «ما احساسات خویش را بیان می کنیم». اما مگر میان احساسات انسان و اعتقادات او هیچ نسبتی نیست؟ علامه شهید استاد مطهری هنر را نوعی «حکمت ذوقی» دانسته است و این سخن درباره هنر، لااقل از حیث محتوا، عین حقیقت است. شکی نیست که معرفت شهودی هنرمند نسبت به عالم با احساسات لطیف و عارفانه نیز همراه است که در اثر هنری تجلی پیدا می کند.



هنرها به تمامی محقق نشده، چرا که از اصل بر یک خطای حکمی یا فلسفی مبتنی است و آن اینکه هرگز امکان انتزاع قالب و محتوای هنر از یکدیگر، جز در عالم خیال و اعتبار، ممکن نیست. انتزاع عقل و احساس از یکدیگرند نیز در نفس الامر جایی ندارد و آنچه در هنر تجلی می یابد «حقیقت» است. خیال هنرمند نیز متصل به روح و نفس و عقل اوست و لاجرم پای بسته اعتقاداتش. خیال آزاد نیست و در خاک اعتقادات و تعهدات و تعلقات آدمی پرورش می یابد، خواه با اراده و خواه بلااراده. تخیل آزاد توهمی بیش نیست و صور خیالی پای بسته روح هنرمند هستند و مقید به وسعت و محدودیت آن. البته خیال را نیز حقیقتی فراتر از افراد هست که از آن حقیقت هر کس را به مقتضای وجودش نصیبی سزوار بخشیده اند. اگر روح هنرمند به وسعت عالم کبیر باشد، فضای پرواز خیالش از فرش تا عرش است و هفت آسمان را به کرشمه ای در می نوردد، اما اگر روح بندگی شیطان کند، او را از آسمان به شهاب ثاقب می رانند و جز به درکات اسفل دوزخ راهش نمی دهند.

«هنر برای هنر» عنوان توصیفی تلاشی است که سعی دارند هنر را بی نیاز از دین و حکمت و تعهد، در خود هنر معنا کند، اما مگر این کار ممکن است؟ آیا هنرمندان به خود اجازه نمی دهند که در همه مسائل عالم وجود اظهار نظر کنند؟ آیا اعتقادات هنرمندان نسبت به آفرینش جهان، انسان، اخلاق، اجتماع و یا سیاست در آثارشان ظهور نمی یابد؟

هنرمندان با رغبت فراوان حاضرند در خدمت تبلیغ صابون و پودر لباسشویی و ... آفیش فیلم های سینمایی کار کنند، اما چون سخن از صدور انقلاب و یا پشتیبانی از رزم آوران میدان مبارزه با استکبار جهانی به میان می آید روی ترش می کنند که: «نه آقا، قبول سفارش، هنر را می خشکاند!» این کدام هنر است که برای پروپاگاندا تجارت فوران می کند، اما برای عشق به خدا، نه؟ آیا هنرمند با این انتخاب، نوع تعهد خویش را مشخص نکرده است؟ حال آنکه آزادی حقیقی تنها در عشق

به خداست و هنر آنگاه حقیقتاً آزاد می شود که غایتش وصول به حق باشد، هنر برای وصول به حق.

هنرمندان با رغبت فراوان حاضرند در خدمت تبلیغ صابون و پودر لباسشویی و ... آفیش فیلم های سینمایی کار کنند، اما چون سخن از صدور انقلاب و یا پشتیبانی از رزم آوران میدان مبارزه با استکبار جهانی به میان می آید روی ترش می کنند که: «نه آقا، قبول سفارش، هنر را می خشکاند!» این کدام هنر است که برای پروپاگاندا تجارت فوران می کند، اما برای عشق به خدا، نه؟



غلیان درد است که باید پیمانه وقت هنرمند را پر کند و سرریز شود در هنر او، نه آنکه هنرمند بی آنکه دردمند باشد بخواهد ذوق خویش را در خدمت سیاست قرار دهد.

هنری اینچنین، هنر باسمه ای مارکسیست ها و ایدئولوژیست هاست که نام هنر بر آن نجسب و بی مسماست. هنر عین پیام و تعهد است و انتزاع این دو از یکدیگر و انکار نسبتی که مابینشان وجود دارد از اصل بی معناست و محال. و عاقبت این کار به جنونی مذموم می انجامد، چرا که هنر اگر بار دیگر مجلای آن حقیقت واحد و

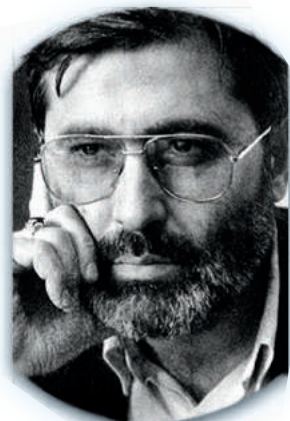
زیبایی و صفا نیز در عالم، هر چه هست حسن و بها حق است، پنهان در پس واقعیتی که ما با نسبت ها و اضافات بر گرد خویش ساخته ایم. وظیفه هنر صیقل دادن عالم است آنچنان که آن وجه کامل و زیبا و مصفای باقی از افق ظاهر طلوع کند و طلعت آن، جام احوال مردمان را از نور باده عشق بیا کند و آنان را مست می‌الست کند. هنر در مدرسه عشق نشان دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی است.

کسی حق اعتراض ندارد. و اصلاً آن نظری هنرمندانه تر قلمداد میشود که با حکمت بیگانه تر باشد! هنر امروز نیز همچون سایر شئون بشری در این روزگار، متناسب با غلبه اومانیسم است و چگونه می‌تواند جز این باشد؟



حق آن است که هنر را نه چون امری که خود خویشتن را معنا می‌کند بنگریم (هنر برای هنر) و نه چون ظرفی مجزا که می‌تواند هر نوع مظلوفی را قبول کند و در خدمت هر محتوایی قرار بگیرد «هنر سفارشی».

راه خروج از بن بست‌های هم که شیاطین در دنیای امروز ساخته‌اند عشق است و این حکمت را نه فقط بسیجیان عاشق این دیار از حضرت امام خمینی آموخته‌اند، که در لبنان و فلسطین و حجاز و عراق و افغانستان و پاکستان... نیز هستند عشاقی که نور حکمت این سراج منیر، از فاصله فرسنگ‌ها، جانشان را بر افروخته است و چشم دلشان را به مخزن اسرار گشوده. مایه اصلی هنر نیز عشق و عرفان است. هنر تجلی شیدایی است و شیدایی، هر چه هست، در عشق است. مسیحای عشق است که روح شیدایی در پیکر هنر می‌دمد و اگر نباشد این روح، هنر نیز جز جسدی مرده بیش نیست.



حق آن است که هنر را نه چون امری که خود خویشتن را معنا می‌کند بنگریم (هنر برای هنر) و نه چون ظرفی مجزا که می‌تواند هر نوع مظلوفی را قبول کند و در خدمت هر محتوایی قرار بگیرد «هنر سفارشی». حقیقت آن است که میثاق و تعهد هنر عارضه ای مجزا از ذات و جوهر هنر نیست که یکی بگوید آن طور و یکی بگوید این طور، هنر و در جوهر و ذات خویش عین تعهد است و جدایی این دو نیز از یکدیگر اعتباری است.

آری، هنر اگر چه عطری است که باید مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند، اما هنگامی متناسب با زیبایی و عظمت انقلاب اسلامی خواهد بود که جلوه کمال انسانی باشد، و سر چشمه خورشید کمال فرزانتگانی هستند که صلات و نسک و حیات و ماماتشان هنر است، یعنی شهدای راه حق. اگر حقیقت اسلام یعنی اسلام ناب را اکنون در نظر مردمان جهان به شوائبی آلوده‌اند که قرآن از آن مبراست، پس هنر نیز نسبت به زدودن این شائبه‌ها و تصفیه آن وظیفه مند است.

ثابت قرار بگیرد، به اصل خویش رجعت خواهد کرد و امانتدار همان میثاقی خواهد شد که در ازل انسان با خداوند بسته است. هنری اینچنین ذاتاً مبارزه جوست.

در زبان ما هرگز «هنر» به معنایی که این روزها مصطلح است به کار نمی‌رفته است، ارباب هنر، ارباب کمال بوده‌اند و از همین روی کشتی شان را آسمان می‌شکسته است. وسعتی که لفظ هنر در کلام قدسی حضرت امام یافته است بسا بیش تر از آن است که از لفظ هنر به معنای اصطلاحی آن دریافت می‌شود، حال آنکه مشتمل بر این معنا نیز هست: «خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت، سرمایه زوال ناپذیر آنگونه هنری است که باید به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی همیشه مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند.»

اصل آن است که هنرمند پیش از آنکه هنرمند است انسان باشد و بدان میثاق ازلی که با حق بسته است وفا کند، یعنی مبارزه کند با شرک و کفر و طواغیت. و اگر اینچنین شد، هنری که این هنرمند فرزانه واسطه فیضان آن در عالم است، هنری خواهد بود شایسته اسلام، و اگر نه، نه.

وظیفه هنر صیقل دادن عالم است آنچنان که آن وجه کامل و زیبا و مصفای باقی از افق ظاهر طلوع کند و طلعت آن، جام احوال مردمان را از نور باده عشق بیا کند و آنان را مست می‌الست کند.

در آن مصرع نیز که «آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند»، حضرت حافظ از صاحبان کمال و فضیلت به «ارباب هنر» تعبیر کرده است. ولکن در این روزگار، پیوند میان حکمت و هنر انکار می‌شود و نه تنها انکار می‌شود که اصلاً بنا بر تعریف، هنرمند را با حکمت کاری نیست.

هنرمندان در همه مسائل عالم وجود اظهار نظر می‌کنند. اما این نظرات چه از سر حکمت باشد و چه از سر جهل،



جمهوری اسلامی؛ آری یا خیر | زهرا فاروقی دانشجوی مامایی

جمهوری اسلامی که به عنوان مفهوم جدیدی از حکومت اسلامی توسط امام خمینی طرح و با جدیت تعقیب میشود، نه تنها از دیدگاه غربی دولتی کاملاً جدید و ناشناخته است، بلکه از زاویه سنت اسلامی نیز مفهومی بی بدیل خاص و قیاس ناپذیر است. بعضاً از موهوم بودن ترکیب جمهوریت و اسلامیت سخن به میان می آورند. به اینان خواهیم گفت جمهوری اسلامی همچون ثمره سیاسی انقلاب اسلامی ایران، مفهومی نیست که از انضمام دو جزء جمهوریت اسلامیت حاصل آمده است. زیرا جمهوریت همان دموکراسی نیست! معنای واقعی از دموکراسی و حکومت دموکراتیک به این معناست که در حکومت دموکراتیک، بشر خویشتن را همچون مبدا منشأ وضع قوانین می شناسد و بنابراین چه بسا تکثر قوا و پارلمان پیدا کنند اما دموکراسی محقق نشود. اما در حکومت دینی قوانین اساسی خویش را از دین اخذ می کند و نه از عقل بشری! دموکراسی به معنای حکومت مردم است اما در عمل، حتی در بهترین نمونه های حکومت های دموکراتیک حقوق ملت نقابی است که در پس آن ثروتمندان پنهان شده اند. تصور دموکراسی بسیار فریبنده و

کلمه جمهور به معنای توده مردم است و گنجانده شدن چنین کلمه ای برای نظام بعد از انقلاب، مردمی بودن آن را نشان می دهد و تاثیر رای مردم را در سر نوشت خودشان بیان می کند. واژه اسلامی نیز آن را از دیگر نظام های جمهوری جدا می نماید و بر حاکمیت ارزش های الهی و قرآنی بر اجزای نظام دلالت دارد. استاد شهید مطهری واژه جمهوری اسلامی را چنین تفسیر می کند: «مساله جمهوری مربوط به شکل حکومت، یعنی این که مردم حق دارند سرنوشت خود را خودشان در دست گیرند و کلمه اسلامی محتوای حکومت را بیان میکند به این ترتیب جمهوری اسلامی، یعنی حکومتی که شکل انتخاب رئیس حکومت از سوی عامه مردم است و محتوای آن هم اسلامی است و با اصول و مقررات اسلام اداره می شود.»

جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل انتخاب رئیس حکومت از سوی عامه مردم است و محتوای آن هم اسلامی است و با اصول و مقررات اسلام اداره می شود.

زمستان سرد و منجمد رژیم سرکوبگر پهلوی بهمن سال ۱۳۵۷ نفس های آخر خود را کشید و برای همیشه سایه استکبار و دیکتاتوری بدست مستضعفین امام روح الله از خاک مسکین ایران که گریبان گیر شغال های استعمار بود؛ رخت بر بست. بهار ۱۳۵۸ وقت آن رسید که ایدئولوژی برخاسته از مکتب امام به رای مردم در آید. به فرمان امام خمینی ده و یازدهم فرودین رفراندومی عظیم برگزار می شود که بعد ها به نقطه عطفی بزرگ و باشکوه در تاریخ چهل ساله انقلاب بدل می گردد. جمهوری اسلامی آری یا خیر؟! دوازدهم فروردین روزی است که ۹۸/۲ درصد واجدین شرایط به جمهوری اسلامی آری می گویند.

از شرح مآقع تاریخی روز جمهوری اسلامی به آنچه گفته شد کفایت میکنیم، هدف گفتار حاضر واکاوی مفهوم جمهوری اسلامی و چالش های پیش روی آن است، پر روشن است برای واکاوی هر مکتبی می بایست رهبران ایدئولوگ آن مکتب را مورد تحقیق قرار داد. از این جهت ابتدا ایدئولوژی جمهوری اسلامی را از دل صحیفه های امام خمینی و گفته های استاد شهید مطهری بازتعریف می کنیم.

مشروعیت نظام سیاسی در اندیشه امام بر دو پایه شرعی و مردمی متکی است؛ که به عنوان مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی از آن یاد می شود. امام خمینی مشروعیت را ناشی از مردم نمی دانند بلکه مقبولیت را ناشی از رای و نظر مردم می دانند. ایشان حکومت و نظام سیاسی را که فاقد این دو باشد را حکومت طاغوت می نامند. در نظر امام خمینی حکومت اسلامی یک حکومت تحمیلی بر مردم نیست.



در واقع اسلام اجازه دیکتاتوری رفتار کردن را نمی دهد امام خمینی عقیده دارند که باید تابع رأی ملت بود؛ این تابع رای ملت بودن تنها مستلزم مشارکت در انتخابات نیست. نظام جمهوری اسلامی، جنبه های ایجابی حضور مردم را فراهم ساخته اما متأسفانه زمینه حضور و بروز نظرات سلبی مردم را نادیده گرفته است. به همین علت است که ما شاهد اعتراضات، خشم مردم و بی اعتمادی آنها نسبت به نظام سیاسی هستیم. به عنوان مثال اگر شفافیت در ابعاد و ارکان مختلف نظام سیاسی وجود داشته باشد. بستر نظارت بیشتر مردم و نخبگان سیاسی را فراهم می آورد که در اینصورت میتوانیم شاهد مشروعیت و مقبولیت بیشتر نظام جمهوری اسلامی در نزد مردم باشیم. همانگونه که امام خمینی به صراحت بیان می کنند: «باید مردم خودشان یکی را تعیین کنند که او دخالت کند در امورشان، هر وقت او را نخواهند بگویند برو گم شو!» و در جای دیگر نیز می فرمایند: «مجلسی که بدون اطلاع مردم است و بدون رضایت مردم است. این مجلس، مجلس غیرقانونی است.» این سخنان دال بر اهمیت مقبولیت

آسیب هایی متوجه نظام است. آسیب های داخلی که ممکن است نظام اسلامی را از درون تهدید کند یا دست کم جلوی رشد آن را بگیرد یا مشکلاتی را در جهت حرکت الهی و انقلابی پدید آورد. این خطرها گاهی از ناحیه کسانی است که مسئول و کارگزار این حکومت هستند و مسئولیت ها به صورت امانت به آنها داده شده است تا با احساس مسئولیت انقلاب را در جهت پیشرفت و تعالی حرکت دهند؛ حال اگر نتوانند با موفقیت عمل کنند نظام جمهوری اسلامی با بحران های بسیاری مواجه خواهد شد.

ناکارآمدی نظام اسلامی و عدم مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی از چالش های مهم داخلی محسوب می شوند. نظام سیاسی وقتی کارآمدی دارد که بتواند وظایفی را که بیشترین مردم یا حکومت شوندگان از آن متوقع اند، انجام دهد. از نظر امام خمینی کارآمدی دارای مؤلفه های مهمی نظیر مردمی بودن حکومت، عمل به قانون، شایسته سالاری و... است. که اگر این مؤلفه ها و شاخص ها توسط مسئولینی که در نظام سیاسی مشغول به انجام وظیفه هستند به خوبی انجام نگیرد، موجب بحران و بی نظمی و آسیب خواهد شد.

ناکارآمدی نظام اسلامی و عدم مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی از چالش های مهم داخلی محسوب می شوند. نظام سیاسی وقتی کارآمدی دارد که بتواند وظایفی را که بیشترین مردم یا حکومت شوندگان از آن متوقع اند، انجام دهد. از نظر امام خمینی کارآمدی دارای مؤلفه های مهمی نظیر مردمی بودن حکومت، عمل به قانون، توجه به مصلحت نظام، شایسته سالاری و... است.

مشروعیت به معنای فرمانبری داوطلبانه و پذیرش آگاهانه مردم از تصمیمات قدرت سیاسی حاکم و بر حق بودن آن است. یعنی هرچه احساس رضایت شهروندان به حکومت بیشتر باشد؛ مشروعیت نظام بالاتر و بیشتر است.

جذاب است اما در عمل همواره خیلی از مردم با استفاده از ریاکاری و مردم فریبی حکومت را به دست می گیرند.

جمهوری اسلامی همچون نمره سیاسی انقلاب اسلامی ایران، مفهومی نیست که از انضمام دو جزء جمهوریت اسلامیت حاصل آمده است. زیرا جمهوریت همان دموکراسی نیست؛ معنای واقعی از دموکراسی و حکومت دموکراتیک به این معناست که در حکومت دموکراتیک، بشر خویشتن را همچون مبدا منشأ وضع قوانین می شناسد و بنابراین چه بسا تکثر قوا و پارلمان پیدا کنند اما دموکراسی محقق نشود. اما در حکومت دینی قوانین اساسی خویش را از دین اخذ می کند و نه از عقل بشری!

غرض از بیان این گفته ها آن نیست که جمهوری اسلامی نظامی مبرا از خطاست، گرچه آن را از دیگر نظام ها و مکاتب مرسوم در جهان متمایز می دانیم. در عین حال بر خلأ ساختار های سیاسی موجود و نقض قوانین اساسی در این نظام سیاسی واقفیم؛ که مختصراً در این مقاله به آن اشاره خواهیم کرد. سوال اصلی این پژوهش آن است که چالش های سیاسی فراروی انقلاب اسلامی در اندیشه امام خمینی کدامند؟



چالش های فرا روی نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه های گوناگون قابل تقسیم است. یکی از این تقسیم ها، تقسیم چالش ها و آسیب ها به داخلی و خارجی است. بر اساس این تقسیم بندی همواره داخل جامعه اسلامی

نظام جمهوری اسلامی توسط مردم می باشد.

در واقع اسلام اجازه دیکتاتوری رفتار کردن را نمی دهد امام خمینی عقیده دارند که باید تابع رأی ملت بود؛ این تابع رأی ملت بودن تنها مستلزم مشارکت در انتخابات نیست. نظام جمهوری اسلامی، جنبه های ایجابی حضور مردم را فراهم ساخته اما متأسفانه زمینه حضور و بروز نظرات سلبی مردم را نادیده گرفته است. به همین علت است که ما شاهد اعتراضات، خشم مردم و بی اعتمادی آنها نسبت به نظام سیاسی هستیم.

علاوه بر اینکه تعیین نوع و شکل حکومت در چارچوب موازین اسلامی بر عهده مردم است؛ هر نظام سیاسی مشروع تنها با پشتیبانی مردم می تواند به حیات خود ادامه دهد با توجه به فرمایشات امام اگر نظام سیاسی کشور ما فاقد مشروعیت و مقبولیت باشد باعث به وجود آمدن مشکلات بسیار و آسیب رساندن به مملکت و مردم و باعث مستبد و خودرأی شدن مسئولان آن و دخل و تصرف در جان و مال مردم و بی توجهی به مشکلات آنها و مسائل بسیاری دیگری خواهد شد.

بر اساس یافته های پژوهش از مشکلات و بحران های اصلی انقلاب اسلامی در بُعد داخلی که می تواند انقلاب و نظام اسلامی را از جانب قوای سه گانه که از ارکان نظام محسوب می شوند مورد آسیب و صدمه قرار دهد؛ می توان به تضعیف و تخریب یکدیگر، عدم استقلال و قاطعیت در عمل، عدم قانون گرایی و توجه به قانون اشاره نمود. عمل نکردن به اسلام و احکام آن، منطبق نبودن عملکردها با احکام اسلامی، ناکارآمدی نظام سیاسی، عدم مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را می توان مهم ترین و اصلی ترین علل و عوامل این بحران ها دانست.

جمهوری اسلامی راه پر فراز و نشیبش را چهل سال است که پیموده، اولین رضایت قلبی مردمش را سال پنجاه و هشت بدست آورده اما بنظر می رسد با وجود چالش های پیش روی آن که ما تنها به تعداد اندکی از آن و صرفاً در بعد داخلی پرداختیم، بر زخم خدشه دار شدن اعتماد ملی مردمش مدت هاست که تنها، فقط نمک پاشیده می شود؛ علت این درد که قبل ها امام خمینی (ره) خطرش را گوشزد فرموده اند، در نقصان و ایده آل نبودن مکتب نیست؛ بلکه علت و درمان آن مرهون خلوص عمل مسئولین قوای سه گانه و توجه به منافع ملی و مصلحت عمومی بجای

منافع حزبی و سیاسی، به وجود آوردن ساختارهای سیاسی برای حضور سلبی بیشتر مردم، نخبگان و کارشناسان و... می باشد.

مشکلات و بحران های اصلی انقلاب اسلامی در بُعد داخلی که می تواند انقلاب و نظام اسلامی را از جانب قوای سه گانه که از ارکان نظام محسوب می شوند مورد آسیب و صدمه قرار دهد؛ می توان به تضعیف و تخریب یکدیگر، عدم استقلال و قاطعیت در عمل، عدم قانون گرایی و توجه به قانون اشاره نمود. عمل نکردن به اسلام و احکام آن، منطبق نبودن عملکردها با احکام اسلامی، ناکارآمدی نظام سیاسی، عدم مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی را می توان مهم ترین و اصلی ترین علل و عوامل این بحران ها دانست.

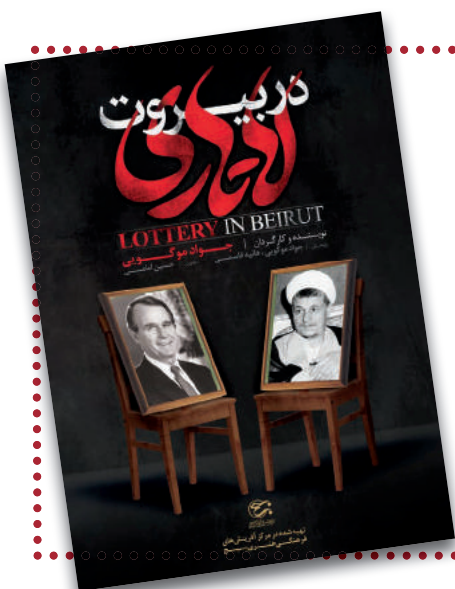


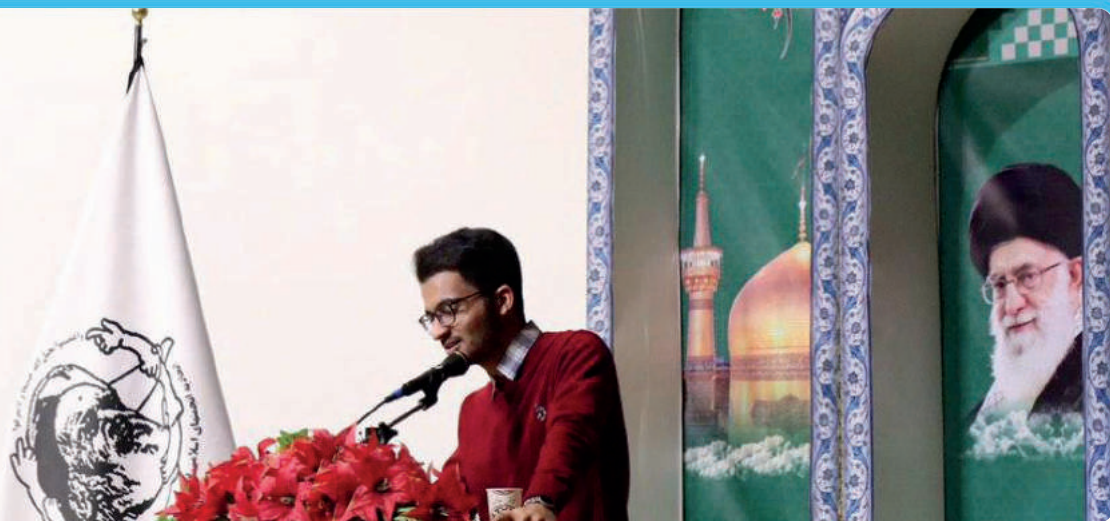
مستند

لاتاری در بیروت

پدر و با واسطه دبیرکل سازمان ملل متحد درباره گروگان های آمریکایی در لبنان انجام شد که در نهایت با بد قولی آمریکایی ها، ناکام ماند. در این مستند از تصاویر آرشیوی و محرمانه آن زمان و مصاحبه های بعدی استفاده شده است.

«لاتاری در بیروت» به کارگردانی جواد موگویی در ۳۸ دقیقه یکی از تجربه های مذاکره ایران و آمریکا را روایت می کند. این مستند روایتی از سومین مرتبه مذاکرات آقای هاشمی رفسنجانی با آمریکایی ها در دهه شصت است. این مذاکرات با درخواست بوش





رضا رحیمی | فارغ التحصیل پرستاری مسئول واحد تبلیغات دفتر تحکیم وحدت

چرا در فضای مجازی باید قوی شویم؟ اصولاً قوی شدن در فضای مجازی به چه معناست؟

از دو منظر می شود به این قضیه نگاه کرد که چرا باید در فضای مجازی قوی باشیم:

نگاه اول این است که به اتفاقات امروز توجه کنیم؛ شاید سرعت گسترش فضای مجازی در زندگی شخصی مان اگر کرونا نبود اتفاقی بود که به سبب آن سه الی چهار سال دیگر ما به این سطح استفاده از فضای مجازی می رسیدیم. منتهی به واسطه شرایط پیش آمده و به دلیل خانه نشینی ما خیلی زودتر به حداکثر ظرفیت استفاده از فضای مجازی رسیده ایم. استفاده حداکثری یعنی چه؟ یعنی شاهد آن هستیم که ابراهیم حاتمی کیا فیلم خروج را در فضای مجازی منتشر میکند و استقبال می شود و میلیاردی فروش می رود. ما می بینیم که بخشی از خریدهای روزمره مردم از فضای مجازی است. یا اسفاده از گفتگوهای زنده اینستاگرامی که این روزها شایع و رایج است و اگر این ظرفیت در یک بستر مناسب تر شکل بگیرد، حتی می تواند از اثرگذاری صدا و سیما هم عبور کند. یا در سطح حکمرانی که گفته می شود سرعت اینترنت در بعضی از نقاط چهار برابر شده و حتی در کل کشور قرار است اتفاق بیفتد و در بحث آموزش عالی نیز که به سمت آموزش مجازی می رود درست است

که سیستم با مشکلاتی روبرو شده ام اگر مشکلات برطرف شود چرا به این سمت و استفاده از این ظرفیت مثلاً برای ترم های تابستان نروم؟

این نگاه یعنی حضور بیشتر فضای مجازی بیش از گذشته در زندگی انسان ها و در کنار جنگی که در رسانه و فضای مجازی که در آن قرار داریم که از رسانه های فارسی زبان و غیر فارسی زبان تا فیلم و بازی و صدها ابزار دیگر که در آن نقش دارند، علیه ما استفاده میشود، و برای تقابل، دفاع و حمله مناسب ما هم باید در این ابزارها و امکانات رشد و پیشرفت کنیم؛ عقلاً ما را به این جهت سوق می دهد که قوی شویم و چاره ای جز قوی شدن هم نیز نداریم.

قوی شدن در رسانه به چه معناست و زمانی که از قوی شدن سخن می گوئیم، اساساً از چه حرف می زنیم؟

این نگاهی رو که عرض می کنم روایت و نظر بنده است:

قوی شدن را می شود در دو بعد تعریف کرد یکی بحث تکنیکال و دوم محتواست. در بحث تکنیکال ما باید از ابزار و شیوه های نوین در بحث انتقال پیام استفاده کنیم. مدل عملکرد رسانه خبری روزنامه خبری ما در وضعیت کنونی مدلی سنتی است. یعنی وقتی که می بینیم مدل برخورد ما با ارایه اخبار و روایت ها و فرهنگ ها به

گونه ای است که اگر ظرفیت فضای مجازی استفاده نمی شود؛ یعنی سنتی است. به عنوان مثال در اینستاگرام ۴۰ الی ۵۰ میلیون نفر مخاطب ایرانی وجود دارد و بنده ندیدم که کسی بخواهد از این ظرفیت استفاده کند. در صورتی که در نمونه های خارجی می بینیم مثلاً بعضی شبکه های فارسی زبان خارج کشور پخش زنده مستمر و استفاده ویژه از فضای مجازی دارند. جدای از اینکه ایشان در شبکه های ماهواره ای هم فعالیت مناسب دارند.

پیشنهاد بنده این است که می توانیم به سمت تولیدی یک شبکه خبری اینترنتی برویم. که یک صفحه یا یک شبکه یا یک کانالی است که به خبر می پردازد و صرفاً بستر اینترنتی دارد. اگر ما به روش هایی که جمهوری اسلامی از آن ضربه می خورد توجه کرده و رصد کنیم در یک سال که ۳۶۵ روز باشد دو فیلم و چند سریال و یا موسیقی و ... به تعداد محدود ساخته می شود و ایجاد تخریب میکند اما چیز دیگری وجود دارد به نام خبر که دائماً دارد تکرار می شود و بمباران می کند و ما هم بالطبع به چنین ابزاری نیاز داریم که هم این بمباران را خنثی کنیم و هم حمله مناسب داشته باشیم. از دیگر ویژگی های کیفی این شبکه خبری بخواهم بیان کنم:

این شبکه خبری همانند شبکه های خبری که در تلویزیون وجود دارد دارای سرویس های خبری متنوعی چون سرویس اقتصادی، سیاسی، ورزشی

آب و هوا و... است و هم چنین از جهت نیروی انسانی دارای یک تیم تحلیلی؛ تیم تصویربرداری، تیم صداگذاری، خبرنگار، مجری و... دارد و حتی در نگاهی جدی تر می توان به ساختاری که بعضی از شبکه های خارجی دارند به سراغ تولید فیلم و مستند و پخش زنده از مجلس هم برویم.

پیشنهاد بنده این است که می توانیم به سمت تولیدی یک شبکه خبری اینترنتی برویم. که یک صفحه یا یک شبکه یا یک کانالی است که به خبر می پردازد و صرفاً بستر اینترنتی دارد.

مطلب بعدی بحث محتوایی است. ما از لحاظ تولید محتوای خام دست برتر را داریم اما وقتی که می خواهیم محتوای خود را به مخاطب برسانیم نمی توانیم موفق باشیم. به عنوان مثال می توان به رویکرد عادی سازی صدا و سیما اشاره کرده که سعی دارد شرایط را از همه جهت خوب و عادی نشان بدهد که خب این می تواند سبب انفصال آن شبکه از مخاطب شود. مهم ترین رویکرد و بیان مسئله مردمی بودن شبکه است که به دور از محافظه کاری به بیان حقایق و مشکلات عامه مردم بپردازد.

البته عرض کنم آنجایی که تاکید شد این شبکه در فضای مجازی صرفاً شکل بگیرد علت این بود که اگر وارد چارت سازمانی صدا و سیما شود یا باید به محافظه کاری مبتلا گردد یا بر اثر فشار خارجی منجر به حذف می گردد. پس بهترین فضا استفاده از ظرفیت فضای مجازی است.

ما اکنون در کنار جنگ اقتصادی و فرهنگی در شرایط جنگ رسانه ای قرار داریم و ابعاد جنگ رسانه ای هم بالطبع مشخص است. پرسشی که مطرح می شود این است که آیا ما باید در این مختصات جنگی آگاهی را در اختیار مردم قرار بدهیم یا مردم شفاف سخن

بگوییم و کمی ها و کاستی ها و نقاط قوت سخن بگوییم یا خیر؟ و اگر این آگاهی قرار باشد در اختیار مردم قرار بگیرد، این مسئله به خودی خود امید آفرین است و یا خطر ساز؟

پاسخی که به پرسش اول داد باید گفت بله. آگاهی را باید در اختیار مردم قرار دهیم. چرا؟ بنده شما را ارجاع می دهم به یکی از سخنرانی های حضرت آقا در اردیبهشت ماه ۱۳۷۵ در دیدار با مطبوعات زمانیکه آقای میرسلیم وزیر ارشاد بودند. رهبری در آن جلسه از فلسفه آگاهی می گوید و به این موارد هم اشاره می کنند که آگاهی برای یک نظام مردمی مثل آب و هوا واجب است. یعنی تفاوت یک نظام مردمی با یک نظام سرمایه داری در این است که آگاهی در اختیار مردم قرار می دهد و می فرمایند هر چه آگاهی بیشتر، جمهوری اسلامی موفق تر. وقتی که نگاه میکنیم و زمانیکه در یک جامعه آگاهی وجود داشته باشد شاهد آن هستیم که مردم درست انتخاب می کنند، درست رفتار می کنند و بین حاکمیت و مردم فاصله نمی افتد و افکار عمومی نسبت به حکومت رویکرد مثبتی دارد و هر چه را که حاکمیت بگوید مردم قبول می کنند چون حاکمیت با آن صادق است و یک رنگ است.

رهبری در آن جلسه از فلسفه آگاهی می گوید و به این موارد هم اشاره می کنند که آگاهی برای یک نظام مردمی مثل آب و هوا واجب است. یعنی تفاوت یک نظام مردمی با یک نظام سرمایه داری در این است که آگاهی در اختیار مردم قرار می دهد و می فرمایند هر چه آگاهی بیشتر جمهوری اسلامی موفق تر.

حالا یک بخش عمده ای از آگاهی که در اختیار حاکمیت وجود دارد از طریق رسانه منتقل می شود یعنی آن پل برقراری ارتباط بین مردم و حکومت، رسانه می شود. پس در کنار آن وجود آگاهی به خودی

خودی امید آفرین است حتی در شرایط جنگی. صحبت دیگری هم از رهبری وجود دارد که مربوط به درس خارج فقه ایشان و برای دو سه سال پیش است که می فرمایند ما در همه ی مسائل باید شفافیت داشته باشیم به جز در مسائل نظامی؛ پس ما باید مسائل را شفاف به مردم بگوییم. نقاط قوت را که می گوئیم به دنبال آن نقاط ضعف را هم بیان کنیم. کجی ها را که گفتیم؛ راستی ها را هم بگوییم. منتها بن مایه سخن این است که شرایط جنگی مانع آن نمی شود حقایق را به مردم نگوییم. وقتی ما حقیقت ها را به مردم می گوئیم دیگر امکان سوءاستفاده از اعتماد آن ها سلب می شود.

ما در همه ی مسائل باید شفافیت داشته باشیم به جز در مسائل نظامی؛ پس ما باید مسائل را شفاف به مردم بگوییم. نقاط قوت را که می گوئیم به دنبال آن نقاط ضعف را هم بیان کنیم. کجی ها را که گفتیم؛ راستی ها را هم بگوییم.

پس آگاهی امید آفرین است و خطر ساز نیست و بجز در مسائل نظامی نیازی که نیست ما نسبت به آن آگاهی داشته باشیم؛ وجود آگاهی در باقی مسائل مهم و واجب است.





مانیفست ولایت

فاطمه صحرائین
دانشجوی پرستاری

اگر انقلاب در سال ۱۳۵۷ پیروز نمیشد، آسمان به زمین می آمد؟ اگر حکومتی بر پایه جمهوریت و اسلامیت بنا نمیشد عاقبت ایران چه بود؟ شاید مهم تر از این سوالات پاسخ به این سوال باشد که این کشور را بعد از حکومت های شاهنشاهی چه نیاز به فردی به نام ولی فقیه که رهبری کند؟ مردم کجای دایره ی این حاکمیت هستند؟ ولایت مطلقه فقیه، همان یکه تازی والی ست یا کلیدداری نظام؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ دوران جدیدی از حکمرانی در ایران پدیدار گشت، این حاکمیت شامل ارکان بهم پیوسته ای است که هر یک قسمتی از این حکومت را بنا نهادند. اسلام به عنوان مبنای حکمرانی، مردم به عنوان رکن انتخاب کننده و تصمیم گیرنده و حاکمان و ولایت فقیه به عنوان صیانت کننده از مبانی حکومت و آرمان ها و مطالبات مادی و معنوی ملت به صورت جدا ناپذیر و پیوسته در کنار هم نظام حاکمیتی تحت عنوان جمهوری اسلامی را تشکیل دادند.

پیامبران برای ساختن انسان و پرورش آن، کارخانه انسان سازی درست کردند یعنی جامعه و نظامی دینی که خروجی آن انسان متعهد به مبانی دین باشد، وارث این میراث حاکم دینی است. توجه به این نکته ضروری است که در تفکر دینی اساس حاکمیت دین و قدرت دین تکیه بر مردم دارد. جمهوری

اسلامی نمونه ای از نظام اسلامی است که زعامت سیاسی آن متکی به دین است.

وجود حاکم در زمان غیبت معصوم ضرورت عقلی است، یکی از علت های اصلی ضرورت نصب نایب برای امام در عصر غیبت این است همانطور که در زمان حضور امامان(ع) وقتی می خواستند برای جایی که دسترسی ندارند حکمی برسانند، جانشین تعیین می کردند در غیبت زمانی باید این جانشین تعیین گردد. در غیاب معصوم عقل حکم می کند که جانشینی باشد و اگر این امر صورت نگیرد دو تالی فاسد مهم در پی دارد. یکی عدم حاکمیت الهی و دوم الجا و مضطر ساختن مردم به حاکمیت طاغوت است. تالی نخست به این علت است که چون جانشین خدا غائب است و کسی نیست برای زمامداری حکومت الهی یعنی خداوند فرمانروایی خود را معطل گذاشته و این امری محال است زیرا فرمانروایی برای خداوند ذاتی است و اینطور نیست که آن را تعطیل کند. دلیل دوم که مضطر شدن به طاغوت بدون ولایت سیاسی است روشن بر این امر است که اگر خدا در صورت درخواست مردم، ولی قرار ندهد آنها را در رجوع به طاغوت مضطر کرده است. در حالی که در جزء به جزء، حزب به حزب و آیات متعدد قرآن کریم خداوند رجوع به طاغوت را نهی کرده است.

وجود حاکم در زمان غیبت معصوم ضرورت عقلی است ، یکی از علت های اصلی ضرورت نصب نایب برای امام در عصر غیبت این است همانطور که در زمان حضور امامان(ع) وقتی می خواستند برای جایی که دسترسی ندارند حکمی برسانند ، جانشین تعیین می کردند در غیبت زمانی نیز همانند غیبت مکانی باید این جانشین تعیین گردد.

در اسلام نظر مردم ارجحیت دارد. رای مردم در انتخاب حاکم و اعمال آن مورد پذیرش قرار گرفته است. حضرت علی (ع) با وجود آنکه از لحاظ واقع منسوب پیغمبر و صاحب حق واقعی زمامداری بودند آن زمان که کار به رای مردم و انتخاب آنان کشید به رای و نظر مردم تکیه کردند. بیعت در نظام اسلامی شرطی است برای زمامداری زمامدار؛ اگر مردم با زمامدار بیعت نکردند یعنی مقبولیت ندارد. مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم بستگی دارد یا بهتر است گفت فعلیت حاکمیت به بیعت مردم وابسته است. مشروعیت این نظام به استواری بر پایه اسلامیت است، که مشروعیت رهبری هم بر همین اساس است. در این نظام مبدأ مشروعیت ولایت الهی ست که به فقیه منتقل شده که مشروط به پایبندی بر احکام اسلامی است. باید به

آرمان های اسلامی و قوانین اسلامی از نظر فکری و عملی مقید باشد در غیر این صورت مشروعیت آن سلب میشود و طبق قانون اساسی پیروی از او بر کسی واجب نیست.

ولایت فقیه را میتوان عالی ترین تجلی جمهوریت و اسلامیت دانست. زیرا رسمیت و قانونیت یافتن ولایت فقیه در ساختار نظام جمهوری اسلامی با مصوبه مجلس خبرگان قانون اساسی و رای مردم در فروردین آذر ۱۳۵۸ صورت گرفت. ولی فقیه علاوه بر خلوص و تقوا و مدیر و مدبر بودن باید مجتهد جامع الشرایطی باشد که به مسائل زمان خود احاطه دارد (آگاه به روش برخورد با حيله ها و تزويرهاى حاکم بر فرهنگ جهان و دارای بصیرت و دید اقتصادی). دارای زیرکی و هوش برای هدایت جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی باشد. شاید باید گفت آیت الله منتظری که به عنوان جانشین امام توسط مجلس خبرگان درآبان ۱۳۶۳ انتخاب شد علت عدم صلاحیت وی توسط امام در فروردین ۱۳۶۸ پایبند نبودن به ارکان نظام اسلامی بود و برخلاف نظر امام که فرمودند ولایت فقیه جلوی دیکتاتوری را میگیرد در پی اعمال دیکتاتوری لیبرالیزم بودند.

ولایت مطلق فقیه به این معنا نیست که رهبر در نظام جمهوری اسلامی مطلق از همه قوانین است و هر کار که میخواهد انجام دهد بلکه رهبر وظیفه اش پیروی مطلق از احکام و قوانین اسلامی است. رهبری یک مدیریت است اما مدیریت اجرایی نه. مدیریت اجرایی در نظام جمهوری اسلامی بر عهده سه قوه است و رهبر ناظر بر اینها برای صیانت از حرکت کلی نظام است اما نه به معنای دخالت در امور

ولایت مطلق فقیه به این معنا نیست که رهبر در نظام جمهوری اسلامی مطلق از همه قوانین است و هر کار که میخواهد انجام دهد بلکه رهبر وظیفه اش پیروی مطلق از احکام و قوانین اسلامی است. رهبری یک مدیریت است اما مدیریت اجرایی نه. مدیریت اجرایی در نظام جمهوری اسلامی بر عهده سه قوه است و رهبر ناظر بر اینها برای صیانت از حرکت کلی نظام است اما نه به معنای دخالت در امور. رهبری یک مدیریت کلان ارزشی است، زمانی که تصمیم از سوی هر یک از مدیران اجرایی منتهی به کج شدن راه انقلاب شود، رهبری مسئولیت پیدا میکند و باید دخالت کند.

بهتر است اساسی ترین تعریف و محوری ترین مفهوم ولایت فقیه را از کلام آیت الله خامنه ای وام گرفت آنجا که گفتند ولایت فقیه جایگاه مهندسی نظام و حفظ خط و جهت نظام و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است. طبق نظر رهبر معظم انقلاب عدم اعتقاد به ولایت فقیه چه از سر اجتهاد باشد چه تقلید در عصر حضرت حجت (عج) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی شود. و اگر بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد معذور است ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

طبق نظر رهبر معظم انقلاب عدم اعتقاد به ولایت فقیه چه از سر اجتهاد باشد چه تقلید در عصر غیبت حضرت حجت (عج) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی شود. و اگر بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد معذور است ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

مرفی نرم افزار

نرم افزار جامع مهدویت

«نرم افزار جامع مهدویت» توسط موسسه فرهنگی هنری مصاف ایرانیان و با توجه به نیاز مبرم جامعه به معارف مهدوی تهیه شده است. این نرم افزار که رایگان می باشد، با هدف تعجیل در فرج امام زمان (عج)، افزایش بصیرت مهدوی و آخر زمانی شیعیان و با هزینه مردمی تهیه شده است. این نرم افزار چندین ویژگی دارد، اعم از: یک- هر روز صبح دعای عهد را به همراه متن و صوت، یادآور می شود.

دو- هر روز به وقت ظهر یک حدیث مهدوی را ارائه می دهد. سه- دسترسی به تمام نامه های امام زمان (عج) را ممکن می سازد. چهار- شامل بیش از ۹۰ حدیث از احادیث امام زمان (عج) می باشد. پنج- ادعیه و نجاوهای مرتبط با امام زمان (عج) را شامل می باشد. شش- بیش از ۹۰ مقاله معتبر علمی درباره امام زمان (عج) را در خود دارد. هفت- اشعار، تصاویر و تم ها و پیامک های مهدوی را جمع آوری کرده است. و سایر امکانات ...





نگاه پولی در آموزش و پرورش

مصطفی محمدی کوثر
دانشجوی ارشد رشته‌ی ریاضی کاربردی
دانشگاه تربیت مدرس

سرانه‌ی یک دانش‌آموز ضعیف هم بخاطر نگاه پولی غصب می‌شود. حال بماند که آن پیمانکار نیز بخاطر نفع مالی خودش چطور آن مدرسه را ارائه می‌کند. بودجه‌ی این طرح با دخالت شورای نگهبان بالاخره در سال ۱۳۹۹ حذف شد ولی این طرح چند سال است که اجرا می‌شود و اصلاً بعید نیست با توجه به مضیقه‌های مالی و انسانی آموزش و پرورش و همچنین نگاه پولی دولت این طرح تحت عناوین دیگری همچنان ادامه داشته باشد. به هوش باشید که نگاه پولی دیگری در راه نباشد.

کاش نگاه پولی حداقل در این خلاصه می‌شد که شخصی که قوی‌تر است و توانایی دست به جیب شدن را دارد خرج کند و موفق شود اما متاسفانه این نگاه پولی حالت بدتری هم دارد که برای عده‌ای قلیل و ضعیف مطرح گردیده و با واژه‌های زیبایی چون اقتصاد مقاومتی و اشتغال زایی بزرگ شده است، طرحی با عنوان خرید خدمات آموزشی. در طرح خرید خدمات آموزشی به ازای هر دانش‌آموز ۱/۲ میلیون به یک پیمانکار تحویل داده می‌شود که با آن یک مدرسه تشکیل دهد. در صورتی که سرانه‌ی آموزشی هر دانش‌آموز در بودجه‌ی ۱۳۹۹ حدود ۴/۳ میلیون در نظر گرفته شده است. این یعنی حدود ۷۲ درصد

کاش عنوان این متن فقط یادآور تبعیض حقوقی بین معلمان و دیگر کارکنان دولت باشد و ای کاش! ولی متاسفانه اینطور نیست. نگاه پولی مدت هاست که آرام آرام در حال بلعیدن عدالت آموزشی است. تعداد کلاس‌های مدارس غیردولتی در دولت یازدهم و دوازدهم ۷۴ درصد رشد می‌کند ولی در همین مدت، تعداد کلاس‌های مدارس دولتی فقط ۵ درصد رشد دارد. در بین نفرات برتر کنکور سال ۱۳۹۸ در رشته‌های نظری هیچ دانش‌آموزی از مدارس عادی دیده نمی‌شود. بدون در نظر گرفتن انتشارات و موسسات آموزشی، آیا این دو آمار نشانگر این نیست که تا پولی خرج نشود موفقیتی حاصل نخواهد شد؟

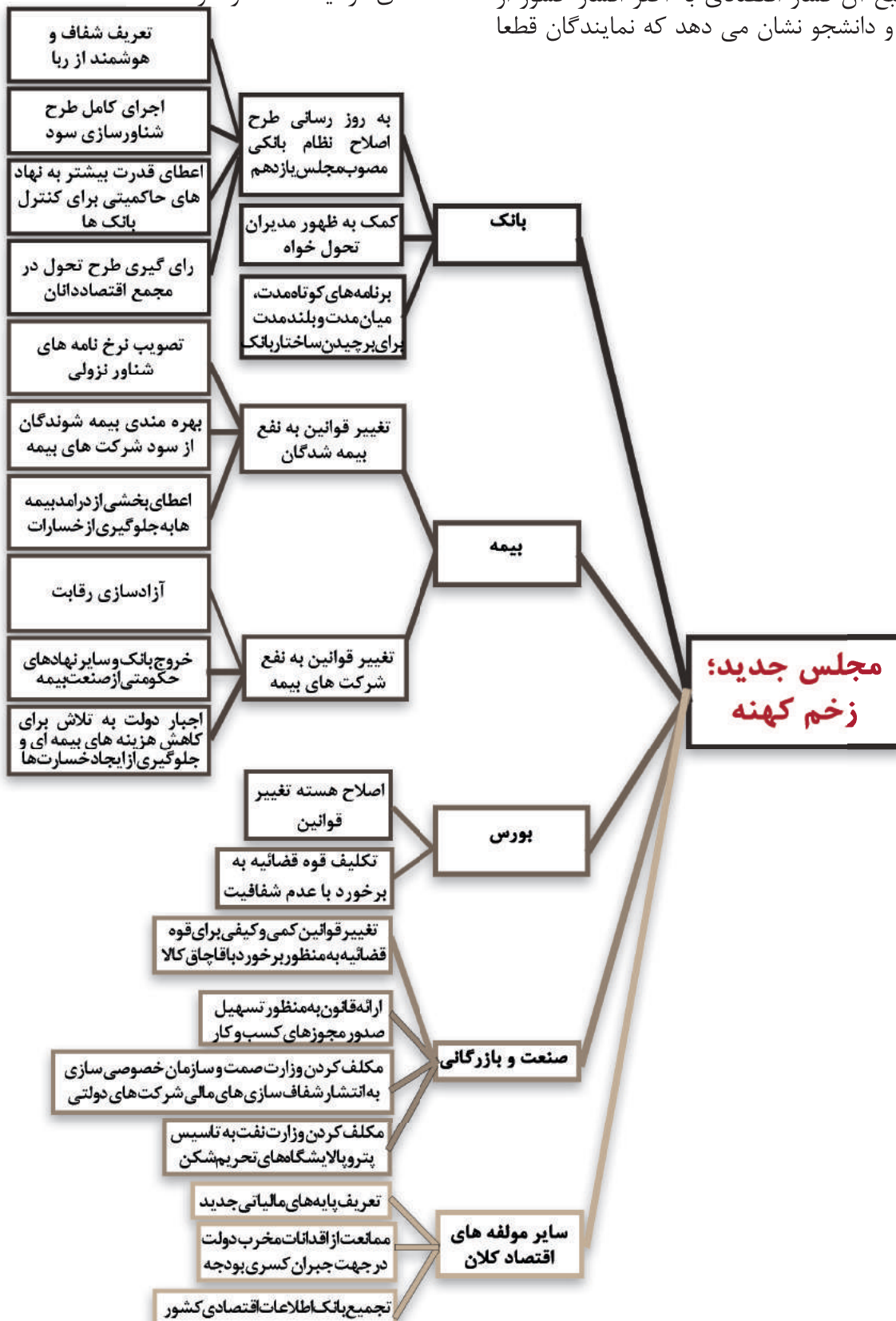


مجلس جدید، زخم کهنه

حسین خسروی فر
کارشناس رادیولوژی

اولویتی جز اقتصاد نخواهند داشت. در نمودار زیر به طور خلاصه بخشی از مهم ترین اقداماتی که نمایندگان باید مد نظر قرار دهند بیان شده است؛ که شرح آن طی ویژه-نامه ای در آینده منتشر خواهد شد.

منتخبان مجلس یازدهم در حالی به کرسی وکالت مردم می نشینند که شرایط بسیار نادری از نظر اقتصادی گریبان کشور را گرفته است. کاهش هفت درصدی تولید ناخالص داخلی و به تبع آن فشار اقتصادی به اکثر اقشار کشور از جمله، کارمند و دانشجو نشان می دهد که نمایندگان قطعاً



انجام داد و حتی به مخفی کردن تعداد بسیاری اسلحه، ترور و آدم‌ربایی پرداخت. تلاش‌های آقای منتظری برای نجات او بی نتیجه ماند و در نهایت او مجرم شناخته شده و در سال ۱۳۶۶ اعدام شد. همچنین آیت‌الله منتظری در تابستان ۱۳۶۷ با اعدام زندانیان منافقی که با مجریان عملیات فروغ جاویدان همراه بودند و قصد سرنگونی نظام را داشتند مخالفت کرد و از آنان حمایت کرد. سرانجام، ششم فروردین ۶۸، نامه تاریخی امام(ره) خطاب به آیت الله منتظری منتشر شد: «از آنجا که روشن شده است که شما این کشور را پس از من به دست لیبرال‌ها و از کانال آن‌ها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید.» پس از نامه امام خمینی (ره)، یک روز بعد آقای منتظری نامه استعفای خود را نوشت و امام هم با این استعفا انقلاب اسلامی با وجود تمام فتنه‌ها و خیانت‌ها ۴۱ سال این راه را طی کرده و نشان داده شخصیت‌ها هرچقدر هم که بزرگ باشند در صورت خروج از مسیر انقلاب به دنبال آنها نمی‌ایستند. امام خمینی(ره)، بیست و ششم فروردین ۱۳۶۸ در نامه‌ای خطاب به وزیران و نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرمودند: «سفارش این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی‌بردار نیست؛ و در صورت تخطی، هر کس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد. توفیق همگان را از خداوند متعال خواستارم.»



امیر حسین بلالی
دانشجوی پرستاری

حاصل عمر

یاد می‌کردند و پس از پیروزی انقلاب بسیاری از مسائل فقهی و سیاسی را به او ارجاع می‌دادند. آیت الله منتظری در سال ۱۳۶۴ از سوی مجلس خبرگان رهبری به قائم‌مقامی ولی فقیه انتخاب شد.

مرداد ۱۳۶۲، افتتاحیه مجلس خبرگان، امام در پیامی فرمودند: «بدانید تبهکاران بیش از هرکس چشم طمع به شما دوخته‌اند و با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت شما با چهره صددرصد انقلابی ممکن است با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف بکشانند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند.»

یک سال پس از انتخاب آیت‌الله منتظری به قائم مقامی رهبری، سیدمهدی هاشمی، برادر دامادش، دستگیر شد او پس از بازداشت مهدی هاشمی، به نشانه اعتراض درس‌های خود را تعطیل کرد. مهدی هاشمی پیش از انقلاب به جرم قتل آیت‌الله شمس آبادی به زندان افتاد و به دلیل اینکه با ساواک همکاری داشت، حکم اعدامش تخفیف یافت. او با انقلاب اسلامی توانست از زندان خارج شود با استفاده از موقعیت بیت آیت الله منتظری که برادرش اداره آن را برعهده داشت، حرکات مشکوکی

راهی که انقلاب اسلامی تا اینجا پیش آمده؛ راهی بوده است دشوار پر از پستی و بلندی با پیچ‌های خطرناک، چه بسیار جوانانی که برای ادامه راه حتی جان دادند تا انقلاب راهش را ادامه دهد؛ و چه بسیار بزرگان راه بلد که خود راه گم کرده و بی‌راهه رفته‌اند. در تاریخ انقلاب از بدو تولد در سال ۱۳۴۲ تا امروز، از این دست کج رفتن‌ها کم نیست. آیت الله منتظری از این دست افراد بود.

حسینعلی منتظری متولد یک مهر ۱۳۰۱ در نجف آباد، از شاگردان برجسته آیت الله بروجردی و امام خمینی(ره) و نماینده تام‌الاختیار امام (زمان تبعید امام) در ایران بود مبارزی انقلابی و مخالف رژیم پهلوی بود و به این دلیل سال‌ها در زندان و تبعید به سر برد. پس از پیروزی انقلاب به ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی رسید. حامی قرار گرفتن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی بود و در گنجانده شدن آن نقش مهمی داشت. او از مهم‌ترین نظریه پردازان ولایت فقیه بود و در این مورد کتاب ولایت فقیه را نوشته است. امام(ره) درباره او با تعبیری همچون «فقیه عالیقدر»، «مجاهد بزرگوار»، «حاصل عمر من»

انقلابی جوان مومن

جوان مومن انقلابی

فائزه معتمدی

دانشجوی پزشکی

روز جوان در کشورمان ایران، برابر با یازده شعبان و در روز هفدهم فروردین ۱۳۹۹ و در تقویم جهانی برابر دوازده آگوست است. که به مناسبت میلاد حضرت علی اکبر (ع) فرزند امام حسین (ع) در این روز، به روز جوان نام گذاری شده است. در یادداشتی که می خوانید به این مناسبت به ویژگی های یک جوان مومن انقلابی، انتظاراتی که از او و از مسئولین در قبال آنها می رود اشاره شده است.

«چرا افرادی که مشغول فساد هستند چرا این هایی که مشغول هستند که جوان های ما را تباه کنند از این ادارات تصفیه نمی کنند؟» ۵۹/۴/۶، روح الله خمینی، صحیفه ی نور، جلد ۱۲، صفحه ۲۰۳

به راستی وظیفه دولت مردان، مسئولین و کارگزاران در برابر جوانان این مرز و بوم چیست که امام اینگونه از آنها انتظار دارد که شرایط مناسب رشد استعدادهای جوانان فراهم شود؟ آیا این وظیفه چیزی غیر از اعتماد و میدان دادن به جمعیت جوان تازه نفس و پرانگیزه کشور برای شکوفایی استعدادها و بروز ایده های تازه است؟ اگر کارگزاران ملت زمانی که پا به میان سالی می گذارند، سکان کشتی انقلاب - که امانتی از جانب امام به نسل های بعد از خود است - را با اطمینان کامل به قشر جوان و مومن انقلابی بعد از خود دهند، این جوانان با انگیزه که

هرکدام یک فکرنند، یک عزمند، یک ایمانند، یک اراده اند، یک قدرت تولیدند و یک قدرت حرکتند، پیشران حرکت این کشتی در مسیر رشد و شکوفایی کشور می شوند. اینجا اندکی تامل لازم است. حقیقتا ویژگی جوانی که امام این گونه از او سخن به میان می آورد و او را شایسته ی اعتماد و تکیه یک ملت به مقام سکان داری اش می داند، چیست؟ چه گوهری درون جوان انقلابی است که امید بنیان گذار این کشتی بزرگ شده است؟

امروزه ملت ما و دنیای اسلام، بیش از هر چیزی به درک صحیح احتیاج دارد؛ مخصوصا درک صحیح از موقعیت داخل و خارج کشور. درک اینکه ما اکنون در چه موقعیتی قرار داریم و می خواهیم به چه موقعیتی نیل کنیم؛ با امکانات و شرایط فعلی، چه چالش هایی در پیش رو خواهیم داشت و چگونه این مسیر را طی خواهیم کرد. جوان انقلابی در این راه باید به دنبال کسب بینش و بصیرت باشد. در مسائل دینی و سیاسی، بینشی عمیق داشته باشد؛ تا در هر خوان دلش نلغزد و مسیر را اشتباه انتخاب نکند. با توجه به اینکه تاریخ مکررا در حال تکرار است، جوان انقلابی با مطالعه سرگذشت پیشینیان، عبرت گرفتن از آنها و کسب تجارب ارزشمند، به شرایط زمانه آشنا می شود و میتواند کلید حل مشکلات پیش روی خود و کشور شود. جوان انقلابی بصیر می داند چه وظیفه و جایگاهی دارد و در محیط های گوناگون چه کنشی داشته باشد. بصیرتی که با مطالعه پیوسته، تفکر و ژرف اندیشی، عبادت خالصانه و کسب تجربه در فرصت ها بدست می آید.

جوان مدنظر، با انگیزه و مطالبه گر است. وجود چنین روحیه ای مولود احساس اثرگذاری اوست. اوست که سخن می گوید و مطالبه می کند؛ مطالبه ای سودمند و ثمربخش؛ از باب تفکر. اما باید بر این نکته نیز واقف باشد که مسئولیتش فقط طرح سوال و پرتاب کردن یک شعار نیست؛ بلکه مقدمات لازم برای تحقق آرمان ها، حضور پرشور و با انگیزه ی او در صحنه برای برطرف کردن مشکلات است. هرچند که مطالبه گری جوانان، با فراهم کردن شرایط، توسط کارگزاران

کشور میسر می شود؛ اما حقیقت این است که هرگونه مانع تراشی در برابر مطالبه های جوان نه تنها او را سست نمیکند؛ بلکه موجب تقویت آرمان خواهی های اوست. این حس آرمان خواهی و عدالت جویی جوان است که او را به انتقاد از گفتار و کردار دیگران وادار می نماید. جوان باید بتواند با منطق محکم و استوار از دیگران و مسئولین انتقاد کند. انتقادی به جا و سازنده و به دور از لحنی تند. هرچند او باید این فرصت نقادی از دیگران را یک حرکت اصلاح گرانه تلقی کند، اما باید مواظب لغزشگاه های پر خطر نیز باشد تا انتقادش به انتقام یا عیب جویی و پرده دری تبدیل نشود و نقش سازنده و تکاملی خود را از دست ندهد.

حال که ویژگی هایی از یک جوان مومن انقلابی ذکر شد، دانستیم که هم مسئولین و هم جوانان در قبال یکدیگر و دیگر افراد جامعه مسئولیت هایی دارند. البته حقیقت این است که وظایف جوانان به مراتب سنگین تر و خطیر تر است. چرا که این قشر جوان است که همیشه باید با حساسیت و احساس مسئولیت خود نسبت به مسائل کشور، خود را از آرمان های انقلاب برکنار نداند و ببیند امروز، انقلاب چه تکلیفی را به او املاء می کند؟ اوست که باید همواره در مسیر خدمت به ملت و اطاعت از رهبر خود بکوشد و عمل کننده به این دستور ولی فقیه عصر که می فرمایند: «جوانان باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند»، باشد.

“زمانی که حتی اگر به ناحق زمینه برای فعالیت و ورود او به صحنه توسط مسئولین فراهم نشد، این وظیفه ی جوان انقلابی است که آتش به اختیار با همدلی دیگر هم فکران خود، بصورت گروهی و با تشکل سازی در راه حق به جهاد بپردازد و در یک کلام با بصیرتی عمارگونه به رشد و بالندگی هرچه بیشتر این سرزمین کمک کند.”



بهشت خاکی

فاطمه محمدی
دانشجوی هوشبری

باز موسم سفر شد سفری به مقصد آن جایی که ملائکه به استقبال می آیند، آنکه دل بست میهمان است و آنکه دل داد میزبان و چه میزبانانی. سفر به جایی از بهشت و تکه ای از آسمان. جای جای آن بهشت خاکی را با چشم دل باید دید و با لباس خاکی زیست. گوشه به گوشه این سرزمین از عطر یاس و لاله، دل مردگان جان می گیرند و صوت حزین قرآن قبل از پرواز، دم مسیحایی را در این عصر مرده باورپذیر می کند.

قدم قدم دست خون و خاک و اعجاز الهی گره خورده و لحظه لحظه پوچی مان را به یادمان می آورد. آنجا همان جایبست که باید سیاهی قلب را به سرچشمه ی تیربار محبتشان شست و دست خالی را از گوشه ی چشم پربرکتشان پر کرد.

اما سهم مان امسال شد دوری و دلتنگی و غفلت‌مان، و سهم میزبانانمان بقیع وار تنها شدن با عشق و خاک و چادر خاکی.

گفته‌اند شرف المکان بالمکین، اعتبار مکانها به انسانهایی است که در آن زیسته‌اند، اعتبار خاک پرشکوه جبهه ها هم به همان پابرهنگان سرباز پیر خمین است که شاهان عالم گدای آنانند.

اما چیست در آن سرزمین که هربار وداع بغضی می نشاند بر جان و هرلحظه دوری غمی بر دل. آنجا زیارتگاه عاشقان است و خلوتگاه عارفان.

طلائیه یعنی گذشتن از هرچه مس و برنز و طلا شدن؛ عباس وار عاشق شدن و ابوالفضلی طلا شدن.

در قلب فکه اش روایت‌هاست با طنین دلنواز سید شهیدان اهل قلم، روایت هایی از غرق شدن در رمل داغ رهایی از دل‌بستگی ها و رفتن تا اوج خدا.

شلمچه اما خود عشق است ، شلمچه آینه ای است که تمام جبهه با خاک های سرخش در آن می درخشد و دریچه آسمانی است که از آن بوی رشادت و عطر دلنواز شهادت می وزد. شلمچه مثنوی بلند ایثار و از خودگذشتگی است، فرودگاه عشق و معراج دل.

از دوکوهه اما اگر بپرسی چه بگویم که پادگانی بود در حوالی غفلت از دنیا و نرسیده به خدا.

اما هرآنچه گفتن و نوشتن از آن فراتر از بهشت نمی تواند زمزمه های قلب و سوالات عقلت را پاسخ باشد؛ که تو خود باید آن جا بروی و زندگی کنی تا بدانی تجلی عشق یعنی چه!



فکه



طلائیه



دوکوهه



شلمچه



راه پیروزی

سبحان محمودی
دانشجوی داروسازی

شدن وی است؛ از این رو امام(ع) در سومین و آخرین جمله حکمت آمیز فوق می فرمایند: «تفکر صحیح در گرو نگه داری اسرار است». در حدیث دیگری که از امام(علیه السلام) در غررالحکم نقل شده می خوانیم: «راز تو اسیر توست؛ اما اگر آن را افشا کردی تو اسیر آن می شوی». از بعضی روایات معصومین استفاده می شود که اسرارشان را حتی به همه دوستان هم نگویید، زیرا احتمال تغییر حالت در آنان وجود دارد. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «اسرار را حتی به دوست مگو مگر در آنجا که اگر دشمن تو بر آن سر آگاه شود ضرری به تو نمی رساند، زیرا دوست ممکن است روزی به صورت دشمن درآید».

منظور از جولان دادن فکر این است که انسان همچون اسب سواری که در تمام اطراف میدان نبرد، قبل از شروع گردش می کند تا از نقاط ضعف و قوت با خبر شود، باید در مسائل مهم نیز چنین کند و تمام جوانب یک مسئله را از خوب و بد بدون اغماض بررسی کند تا بتواند تصمیم صحیح بگیرد. به یقین حزم و دوراندیشی ایجاب می کند که انسان افزون بر استفاده از فکر خویش، از افکار دیگران نیز بهره بگیرد، همان گونه که در حدیثی از امام باقر(ع) می خوانیم که فرمودند: «از رسول خدا(ص) پرسیدند حزم و دوراندیشی چیست؟ فرمود: مشورت با صاحب نظران و پیروی از آنها». گاه برای رسیدن به پیروزی باید از نقشه پیچیده و مختلفی استفاده کرد که آگاهی دشمن بر آن سبب نابود

«وَقَالَ الظُّفَّرُ بِالْحَزْمِ وَ الْحَزْمُ بِإِجَالِهِ الرَّأْيِ وَ الرَّأْيُ بِتَخَصُّصِ الْأَسْرَارِ» پیروزی به دور اندیشی است و دوراندیشی در به کار انداختن رأی و به کار انداختن رأی در نگاهداشتن اسرار. حکمت چهل و هشت نهج البلاغه امام(ع) در این گفتار حکیمانه در سه جمله کوتاه رمز پیروزی را در کارها بیان می کند. نخست می فرماید: «پیروزی در گرو تدبیر است»؛ «حَزْمٌ» که به معنای دوراندیشی و مطالعه عواقب کار است، یکی از مهم ترین عوامل پیروزی است، زیرا افراد سطحی نگر در برابر حوادث غیر قابل پیش بینی در روزگار به راحتی شکست می خورند. سپس امام(ع) در جمله دوم می فرماید: «حزم و دوراندیشی در گرو به کار گرفتن فکر است»؛ «إِجَالَةٌ» به معنای جولان دادن و «رأی» به معنای فکر است و

معرفی کتاب

اجدال دو اسلام

یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده خواهی، اسلام بی تفاوت در مقابل دست اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان و اسلامی که با همه اینها می سازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد. این کتاب خلاصه ای از جلد بیست و یکم صحیفه امام خمینی رحمه الله با موضوع جدال اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی می باشد.

اصلی ترین مسئله در مبانی امام خمینی، مسئله «اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله» است؛ یعنی اسلام ظلم ستیز، اسلام عدالت خواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق پاهلوانان و رنج دیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکایی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. «اسلام آمریکایی»



تذکره شهیدان

برشی از وصیت نامه شهید سرباز قاسم سلیمانی

در مسائل سیاسی آنجا که بحث اسلام، جمهوری اسلامی، مقدسات و ولایت فقیه مطرح می‌شود، اینها رنگ خدا هستند؛ رنگ خدا را بر هر رنگی ترجیح دهید.

وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید. دفاع از اسلام نیازمند هوشمندی و توجه خاص است.

همیشه با تو می‌آید بهاران
به رقص آید عروس سبزه زاران
کجایی که ملائک کرده این بار
تمام کهکشان‌ها بوسه باران

حسین باقری
دانشجوی پزشکی

دستان سبز از مجموعه بازار رشت

مأده نیساری
دانشجوی رشته نقاشی
دانشگاه الزهرا تهران





شهید سید محمد بهشتی:

حالا که احساس می کنید نابسامانی ها هست تبعیض ها هست، بی عدالتی ها هست می شود بفرمایید شما چه کار خواهید کرد، شروع می کنید فقط نق زدن که بابا ما خون دادیم به عدالت برسیم پس کو عدالت، غر زدن که این چه جمهوری اسلامی است، خدایی نکرده دلسرد شدن و به ناامیدی و ضعف روی آوردن یا شروع می کنیم با چشم بازتر و اندیشه بازتر به همه جوانب کار، نگرستن و با هم همکاری بیشتر کردن و با محکم تر شدن کمربندها و آماده کردن بیشتر خودمان، این راه طولانی سنگلاخ پر نشیب و فراز انقلاب را با قاطعیت هرچه بیشتر پیمودن.



@harfe.hesab_hums

ما را در اینستاگرام دنبال کنید.